



که هر کدام جایگاه خودشان را پیدا کردند کتاب‌های ایشان برای علاقه‌مندان به فلسفه بسیار استثنایی و قابل استفاده ماند و نسبت به کتاب‌هایی که امروزه نوشته می‌شوند، خیلی متفاوت هستند.

اما درباره خود ایشان و شخصیتشان باید بگویم الحق شخصیتی قابل احترام داشتند. زمانی که من خدمتشان می‌رسیدم، بسیار با محبت و بزرگواری برخورد می‌کردند. من خیلی خدمت ایشان می‌رسیدم، زمانی که مشهد بودم، چندبار به مشهد تشریف آوردند که من رسیدم خدمتشان و همین‌طور در تهران هم چندین بار با ایشان گفت‌وگو داشتم، تا اینکه ایشان این اواخر بیمار شدند که همین بیماری هم موجب شد از دنیا بروند. جا دارد به این نکته هم اشاره کنم که ایشان علاوه بر فلسفه، یک فقیه و یک اصولی قوی هم بودند. شاگردم مرحوم حاجت بودند و در فقه صاحب نظر، بنابراین افکار ایشان را در ابعاد و حوزهای مختلف باید دنبال کرد و به آنها پرداخت.

داوودی: اول بگویم که ما امروز برای اینکه فلسفه بخوانیم اگر قصدمان مطالعه فلسفه غرب است باید فلسفه اسلامی را خوب بدانیم و اگر فلسفه اسلامی می‌خوانیم، ضروری است با فلسفه غرب آشنا بشویم. به هر حال، لازم است که ما با هر دوی این جریان‌های فکری به خوبی آشنا بشویم تا ملاحظات و تحقیقاتمان از ارزش و اعتبار برخوردار شده و تاثیرگذار شوند. آقای حائری این فضیلت را داشتند که به غرب رفتند و با مکاتب غربی از نزدیک و در محضر استادان خود غرب آشنا شدند. سفر اولشان به غرب خیلی ایشان را گرفت و تاثیرگذار نبود. چنان‌که ایشان وقتی برگشتند و کوشش‌های عقل‌نظری را نوشتند هنوز یک فیلسوف اسلامی بودند و از

فضای فکری اسلامی ذهن‌های نگرفته بودند. البته در همان کتاب، یک فصل تطبیقی بسیار پخته و خوب وجود دارد که نشان می‌دهد فلسفه غربی با دست‌کم بر حوالی فلسفه غربی، رایج خوبی نمی‌دیدند. من گاهی به دانش‌جویانم می‌گویم کار ترجمه اثر فلسفی، کار ساده‌ای نیست که با تکیه بر دایره لغت، که زبان و به صورت تحت‌الفظی انجام شود. اگر می‌خواهید یک ترجمه اینفلوینس‌بروید سراغ آن نکه‌ای که آقای حائری از اسلام ترجمه کرده‌اند ببینید. ایشان چطور متن را ترجمه کرده‌اند که وقتی می‌خوانید احساس می‌کنید متنی از عزالی گشته، به هر حال سفر اول چندان که باید روی ایشان تاثیر گذاشت، اما سفر بعدی آقای حائری سفر دیگری بود. ایشان در این مدت با فلسفه غربی آشنایی عمیق‌تری یافتند و انس پیدا کردند می‌شود گفت پس از این سفر ایشان جامع‌ال حکمتین شدند. هم به خوبی فلسفه اسلامی می‌دانستند و هم فلسفه غربی را درک کرده بودند. به عقیده من این جامع‌ال حکمتین شدن کاری لازم است و اسان نیست چیزی است که فلسفه امروز ما به آن نیاز دارد و اگر کسی بخواهد کار جدی فلسفی بی انجام دهد، باید هر ۲ حوزه فکری را به خوبی بشناسد. به همین دلیل بسیار مهم است که ایشان با یک پایه فلسفه اسلامی به غرب رفتند. داشتن چنین پایه‌ای واقعاً ضروری است. نمی‌شود من متعلق به این سرزمین و این سنت، باشم بی آنکه اطلاعی از آن داشته باشم.

پور محصودی: یک مسأله‌ای که استاد حائری را از دیگر فیلسوفان معاصر متمایز می‌کند این نکته است که ایشان صاحب یک دستگاه فکری است یعنی جامعیتی که ما از یک فیلسوف توقع داریم در آثار ایشان می‌بینیم؛ در

متمایز یک فلسفه محض و در مبانی عقل عملی، ایشان درباره سیاست، تدبیر مدن و به طور خلاصه در مختلفات فلسفی صاحب رساله و نظر هستند. نکته دیگری هم که بسیار مهم است این است که خود ایشان بیان می‌کنند که ملاصدرا تمام مباحث و جود را بر اساس اسالت‌الوجود مطرح کرده و همه فلسفه ملاصدرا با تمام ابتکارات به کار رفته در آن، بر اساس این اصل بنیان نهاده شده و بر همین اساس، ایشان تمام عوارض و لغزش‌ها وجود را تفصیل و شرح داده‌اند. خود آقای حائری هم وقتی به آثار ایشان مراجعه می‌کنیم، در همه جا بحث را با هستی و هستی‌آغاز می‌کنند یعنی ایشان یک تبیین از تمایز است و هست‌الارائه می‌کنند که به عقیده من این تبیین اینکتری است. در هر م هستی، ایشان بحث خود را با همین تمایز آغاز می‌کنند، در کوشش‌های عقل عملی هم مباحث اخلاقی‌شان را با آنکه به همین بحث آغاز می‌کنند. در فلسفه سیاست (حکومت و حکومت)، اولین کلماتی که ایشان به کار می‌برند، کلمات استی و هستی است و خود این روش، یک روش متمایز است که نشان می‌دهد ایشان علاوه بر اینکه صاحب یک دستگاه فکری هستند، ابداعات و ابتکارات خاص خود را هم داشته و در آثار ایشان بی‌گرفته‌اند. بحث مهم دیگر، روش فلسفی‌ای است که ایشان به کار می‌برند. کوشش‌های عقل عملی و حکمت و حکومت، نهاد این روش خاص ایشان هستند. ایشان فلسفه تحلیلی را به خوبی می‌دانستند و به آن اشراف داشتند. بر فلسفه اسلامی هم به همین ترتیب کاملاً احاطه داشتند و با روش فلسفی‌ای که به زبان پرتو از آن یاد می‌کنند این ۲ حوزه فلسفه را به بحث و بررسی می‌گذارند.

موسسه حکمت و فلسفه ایران طی سال‌های اخیر، برنامه‌های نشر مجموعه آثار دکتر حائری بزرگ را در دستور کار قرار داده است که تاکنون آثاری همچون هر م هستی، کوشش‌های عقل‌نظری، کوشش‌های عقل عملی، علم کلی، آگاهی و گواهی، جستارهای فلسفی و متمایز یک به چهارم سیخ‌است، دکتر محقق داماد سرپرستی این مجموعه را بر عهده دارد.

محقق داماد: من درباره مرحوم آقای حائری نکته‌ای به ذهنم می‌رسد که می‌خواهم به مطالب آقایان اضافه کنم و آن اینکه ایشان، روش تحصیل و مطالعه و خواندنشان روش توغلی بوده یعنی هر رشته‌ای که ایشان وارد شده و خوانده بوده به‌طور کامل در آن وارد شده و تمام وقت خود را صرف آن کرده و مدت‌ها به آن اشتغال خاطر داشتند؛ مثلاً زمانی که به تحصیل فلسفه اسلامی اشتغال داشته سال‌ها از وقت خود را برای درک ظرایف و نکات این فلسفه وقف کرد خود ایشان از کلمه توغل استفاده می‌کرد و می‌گفت: «از این رشته و آن رشته در دست نیست بلکه باید در هر رشته‌ای به نحو تخصصی و توغلی وارد شد و در آن توغل کرد اما نکته اینکه به نظر می‌رسد آقای حائری از آغاز طلبگی به ۲ مساله بسیار پرداخته است یکی آشنایی و سروکار ایشان با علم اصول است چالب است که ملائی که در کنار فقه، اصول می‌خوانند، حتی اگر فلسفه هم نمی‌خوانند، روحیه فکر تحلیلی پیدا می‌کردند ولو با فلسفه هم آشنایی چندانی نداشتند. آقای حائری بیشتر عمر خود در حوزه فقه و فقه را با فقه در کنار اصول گذراند و حتی بیشتر از آنکه به فقه بپردازد با اصول سروکار داشت. پور محمدی: این به‌طور کلی یکی از خصوصیات مکتب قم است.

محقق داماد: بله، از ویژگی‌های مکتب قم یکی هم پرداختن به اصول حتی پیش از فقه است اساساً مکتب قم اصول خاص خودش را در فقه اصولی که تا اندازه‌ای با اصول مکتب نجف متفاوت است و من به این مساله در جایی پرداخته‌ام. در حوزه فقه در دوره جوانی مرحوم حائری، اصولی بزرگ بودند که ایشان محضر هر دوی این بزرگواران را در کمرده بوده یکی مرحوم آقای حجت بود که دست نوشته‌های آقای حائری از درس‌های اصول مرحوم حجت الان در اختیار ملت و خود آقای حائری گفته‌اند که حتی یک واژه از درس‌های ایشان جا نینداخته‌اند و همه درس اصول آقای حجت را نوشته‌اند. مرحوم آقای بروجرودی هم زمانی که در قم بودند درس اصولشان جلوه برجسته‌ای نسبت به دیگر دروسشان پیدا کرد و اولین تقریراتی که از ایشان منتشر شده مربوط به درس اصول هست من می‌خواهم نتیجه‌ای از این بحث

بگیرم؛ به‌منظر بنده گوشت و استخوان مرحوم حائری با علم اصول آمیخته شده بوده حتی وقتی که فلسفه خوانده یا پس‌زمینه اصولی فلسفه خوانده و فلسفه غرب هم که خوانده، فلسفه تحلیلی را انتخاب کرده که در موازین و چهارچوب‌های کلی‌اش با علم اصول هم‌ارز است. پور محمدی: اساساً مرحوم حائری، علاقه چندانی به فلسفه اروپای قاره‌ای نداشتند.

محقق داماد: بله و این به عقیده من به خاطر از جهت و شمولی بود که علم اصول در اندیشه ایشان دانسته زمانی که ایشان صحبت می‌کرد، شوخی می‌کرد و حتی زمانی که می‌نوشت و استدلال می‌کرد بر موازین علم اصول حرکت می‌کرد و از این چهارچوب هیچ‌گاه خارج نمی‌شد. به هر حال در تحلیل روش تفکری مرحوم حائری باید به این نکته توجه داشت: باید بررسی کرد که جایگاه علم اصول در آرا و اندیشه‌های فلسفی ایشان چیست و اصول چقدر در شکل‌گیری و قوام تفکر ایشان اثر گذار بوده است. نکته دیگری که به عقیده من مرحوم حائری با آن بزرگ شده و در تمام زندگی دغدغه آن را داشته، زبان فارسی و فارسی‌نویسی بود در آن زمان، فضا به نحوی بود که با کسی به فارسی نمی‌نوشت یا اگر هم می‌نوشت بسیار بد و منافی بود اساساً نوشتن فلسفه و کلام به زبان فارسی تا آن زمان سابقه نداشت و می‌شود گفت مرحوم حائری از اولین کسانی بودند که آثار فلسفی‌شان را به زبان فارسی نوشتند؛ پیشانی یک زمان هم به زبان فارسی نوشته‌اند تحت عنوان «کودک فلسفی» این کتاب تا امروز فریب به ۶۰ بار تجدید چاپ شده است در زمان خود ایشان با چاپ سنگی منتشر شد - زمانی که ۲۰ ساله و در قم بود - و چاپ آن تا امروز ادامه دارد زمانی که ایشان در ۲۰ سالگی نوشته‌اند بسیار جذاب و گیراست و من بشخصه چندین مرتبه آن را خوانده‌ام. پس از آن ایشان همین قلم شیوا و روان را در یک سلسله مقالات به کار گرفت. از جمله مقاله‌ای که من از ایشان خواندم و در واقع پاسخی است به رضاشاه ماجراجاز این قرار است که رضاشاه در چایی صحبت از کشف حجاب کرده و در لایه‌های صحبت‌های خود، به این بحث پرداختن حجاب زنان رنگ و بوی دینی داده یعنی با یک قطعه‌ار فضل دینی خواسته متلاً بگوید در مسائل دینی هم دستی دارد.

آقای حائری در روزنامه «ستار» طی ۲ مقاله به رضاشاه پاسخ سختی داده یعنی بر اینکه او حق نظر در این مسائل دخالت کند و مسائل دینی مسائل تخصصی هستند و مقاله با قلمی بسیار نافذ و تأثیر گذار نوشته شده به طوری که شهبازی بلافاصله سسخهای از مقالات را به دفتر نخست‌وزیر وقت که در آن زمان فروغی بوده می‌فرستد طی نامه‌ای می‌آورد که صاحب مقاله پسر شیخ عبدالکریم حائری است و مضمون مقالات هم توهین آمیز است و در مجموع نظر شما چیست. در آن زمان، فروغی با دستخط خود در زیر نامه آورده که هیچ اقدامی نشود. فرض اینکه این مقالات هم مقالات بسیار خوبی بوده‌اند.

اما به محض ورود به تهران در ۱۳۲۲ و عضویت در دانشکده معقول و منقول، کتاب «علم کلی» را می‌نویسد. در مقدمه علم کلی، با شجاعت تمام به حرکت تفکیک به نحو شدیدی حمله می‌کند و به صراحت این جریان را مورد خطاب قرار می‌دهد که با این کار بازار نقل در ایران تعطیل خواهد شد. به هر صورت، قلم «علم کلی» قلمی بسیار جالب و با بهره‌گیری از فارسی سره است و این ناضی از عشق ایشان به زبان و فرهنگ فارسی بوده است این علاقه و اشتیاق تا حدی بوده که قریب به اتفاق آثار ایشان به فارسی نوشته شده است فقط ۲ اثر ایشان به زبان عربی انتشار یافته یکی تبلیغ درس آقای بروجرودی بود که در جوانی نوشته شده و دیگری حاشیه‌های بر اثر آقا شیخ حسین اصفهانی - تحفه‌الحکیم - بوده است.

دائوری: «علم کلی» مرحوم حائری که در باب کلیات فلسفه نوشته شده و موضوع آن مابعدالطبیعه به معنای علم است. به لحاظ محتوا و زبان به کار رفته در آن، حقیقتاً گزیده‌گو و روان و دقیق است؛ به نحوی که خاطر من هست زمانی که این کتاب را می‌خواندم متن و قلم آقای حائری من را به یاد خواجه نصیر طوسی و زبان زیبا و موجز آراش انداخته کتاب‌های دیگر ایشان هم به همین ترتیب زیبا و جذاب هستند و آدم را علاقه‌مند می‌کنند موضوعات گاه پیچیده و سنگین فلسفی را با علاقه و دقت دنبال می‌کند و این به واقع از هنر‌های ایشان است.

پس می‌توان گفت نحوه نگارش روان و زیبایی



دکتر رضاشادوری:
«علم کلی» مرحوم حائری
کتابی است که تا حدی
نوشتن منسوب به او است
چون در مقدمه آن می‌نویسد
«من به کلام خداوند عز و جل
به کار رفته در آن، حقیقتاً
گزیده‌گو و روان و دقیق
است؛ به نحوی که خاطر من
هست زمانی که این کتاب
را می‌خواندم متن و قلم
آقای حائری من را به یاد
خواجه نصیر طوسی و زبان
زیبا و موجز آراش انداخته

دکتر محقق داماد: نکته مهم در باره نحوه کار مرحوم حائری، روش «توغلی» ایشان بود؛ یعنی هر رشته‌ای که ایشان وارد شده و خواننده به طور کامل در آن وارد شده و تمام وقت خود را صرف آن کرده. خود ایشان می‌گفت: «از این رشته و آن رشته درست نیست بلکه باید در هر رشته‌ای به نحو تخصصی و توغلی وارد شده و در آن توغل کرد»

آقای حائری و استفاده خاص ایشان از زبان فارسی، خود از جمله ابتکارات و ویژگی‌های مرحوم حائری بوده است. جا دارد به بدایع و نکات خاص و ممتاز دیگری که ایشان در کارهای شان داشتند هم اشاره بشود.

محقق داماد: درباره بدایع و نکات فلسفی خاص ایشان یکی همین موضوع هستی و هستی است که آقای پورمحمدی به آن اشاره کردند و در اثر مختلف ایشان هم مطرح شده است. اما من مایلم به مسأله دیگری اشاره کنم که آن هم از جایگاه بسیار مهمی برخوردار بوده و در مسیر فلسفه اسلامی هم تحت عنوان مسأله «وجود رابط» بسیار اثرگذار شده است. جناب دکتر دینی هم کتبی یا همین موضوع تحت عنوان «وجود رابط و مستقل» دارند که به نظر من یکی از بهترین آثار ایشان و در عین حال یکی از بهترین کتاب‌هاست که این مسأله مهم فلسفی در آن به نحو دقیق و مشروحی تقریر شده است. واقعیت این است که ماهه مسأله وجود رابط، کم توجه کرده‌ایم آقای حائری تلاشی می‌کند نگاه ما را معطوف به جایگاه مهم وجود رابط در فلسفه اسلامی کند. به عقیده من، آقای حائری در رسانی طرح این بحث ۲-۳ نکته بدیع فلسفی را مطرح کرده که اتفاقاً می‌توان آنها را از جمله ظرایف و زیبایی‌های فلسفه اسلامی دانست که ما در فلسفه غرب نمی‌بینیم. ۲-۳ نکته در تمامی نوشته‌های ایشان می‌بینیم که نحوه طرح آنها و پاسخی که ایشان به این مسائل می‌دهد را ما اصلاً در فلسفه غرب نمی‌بینیم. آقای حائری از همان ابتدا که با فلسفه برخورد کرده، معذوب نکات ابتکاری و ابداعات فیلسوفان اسلامی شده است. یکی از آنها قضیه وجود رابط است. وجود رابط به این صورت که حکمای اسلامی به ویژه ملاصدرا به آن توجه کرده‌اند، در غرب نیست و حالا چارلز داروین آقای دکتر دینی این سوال را پرسید که این مسأله چقدر در فلسفه اسلامی ما جایگاه دارد و آیا این مسأله توانمندی آن را دارد که ساختار بدنه و روش فلسفی ما را شکل دهد؟

بهرت است ما ابتدا نظر آقای دکتر در این باره را بشنویم و بعد بحث را ادامه دهیم.

دکتر دینانی: صحبت‌های آقای محقق داماد باعث

شد تا چند نکته به ذهنم خطور کند که پیش از پرداختن به وجود رابط، اجازه می‌خواهم اول آنها را مطرح کنم. به عقیده من، اگر آقای حائری جز نوشتن اثر فلسفی به زبان فارسی روشن و سره هیچ کار دیگری نمی‌کرد، همین کافی بود من شخصه نه با عربی مشکلی دارم و نه دشمنی و بیزار هم برای این زبان که زبان کتاب مقدس است. احترام قائل هستم اما قرون متعددی یعنی حدود ۱۴ قرن، حکمای ما به زبان عربی نوشتند و با وجود متن‌های بسیار عالی عربی در بین بزرگانی چون غزالی و ابن سینا نوعی از عربی نویسی در بین علمای متکلمین ما رواج پیدا کرد که در حقیقت می‌شود گفت نه عربی بود و نه فارسی؛ چون خود هر با اگر این متون را می‌خواندند آن را عربی نمی‌دانستند. فارسی هم که در واقع نبود، خوب این موجب شد که زبان فارسی در گریز نوعی مغفوق‌گویی و پیچیده‌گویی شود که نتیجه آن این‌ها بود. حقیقت این است که اگر شعرایی چون سعدی، فردوسی و حافظ در زبان فارسی پدید نمی‌آمدند، زبان کنونی ما یک زبان لو و بی‌حساب و کتاب می‌شد که به هیچ جا نرسد. حداقل شعرایان ما آنجاست دلگداز اما قفا و متکلمان و علمای اصول این عربی‌نویزان و مبهم و آب‌نکشیده را در زبان ما پیاپی کردند و به همین دلیل، اگر امروزه بخواهیم به فارسی اثر فلسفی بنویسیم، باید از حمتی دوچندان بکشیم و نهایتاً هم نسبت به نتیجه کار مطمئن باشیم؛ به ویژه اینکه به فارسی فلسفه نوشتن خیلی سخت‌تر است از عربی؛ چون ساختار زبان عربی در جریان هزار سال فعالیت فکری قوام فلسفی پیدا کرده در حالی که زبان فارسی هنوز یا همیشه و فکر فلسفی به معنای منطقی و ارسطویی کلمه ارتباط موقوت و ملموسی پیدا نکرده است.

پور محمدی: به عبارت دیگر، می‌شود گفت زبان فارسی مدلی برای فلسفی نویسی ندارد در حالی که در عربی هر کتاب بزرگی از فیلسوفان اسلامی در حکم یک مدل و الگو است.

محقق داماد: این فقط محدود به فلسفه نیست. علوم تخصصی هم کلاً این معضل را به نحوی با زبان فارسی دارند. مثلاً پزشکان هم هنوز به خوبی موفق نشده‌اند یک کتاب کاملاً فارسی در زمینه پزشکی بنویسند.

دینانی: خنجر حمت کند حاج ملاهادی سبزواری راه او را کسفی بود که تلاش کرد به فارسی اثر فلسفی بنویسد. محصول آن هم شده «اسرار الحکم» که واقعاً از عربی سخت‌تر و مشکل‌تر است. البته حاجی مرد بزرگی بوده و من همیشه برای ایشان طلب مغفرت و رحمت می‌کنم اما به هر حال کار ایشان موفق نبود؛ از مایه‌های بود که می‌خوانستند انجام بدهند اما نتیجه نداد.

بنابراین، از این بابت کار آقای حائری واقعاً مهم و ارزشمند است. ایشان واقعاً فارسی را زیبا و روان می‌نوشت و معلوم بود که ذوق فارسی از ابتدای جوانی در ایشان بوده است. این به نظر من کار بزرگی است.

پور محمدی: آقای حائری از مرحوم فروزفر نقل می‌کردند که ایشان خطاب به آقای حائری گفته بودند شما فلسفه را در کتاب‌هایتان مثل باقلاهای یزد در می‌آورید و به خواننده تحویل می‌دهید، آنقدر شیرین و زیبا و گویا.

دینانی: متأسفانه طلبه‌های ما هنوز فکر می‌کنند اگر یک کتاب به زبان فارسی باشد خوب نیست و کتاب‌های فلسفی فارسی نمی‌خوانند. تصور می‌کنند اگر با کمال و یکون بنویسیم، کتاب علمی و دقیق می‌شود ولی واقعیت این است که این زبان و خسرانی است برای ما.

نکته دیگر اینکه همان طور که آقای محقق به درستی اشاره کردند، آقای حائری اصول را بسیار خوب خوانده بود. اصلاً خوب خوانده بود. آقای حجت هم مرد عالمی بود و هم آقای گرجی که مرحوم حائری از محضر هر دوی این علما بهره برده بود. حالا نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم این است که آقای حائری با این سوادش در اصول، به غرب می‌رود و فلسفه تحلیلی می‌خواند. می‌داند چرا؟ چون فلسفه تحلیلی غرب یعنی فلسفه دنیای انگلیسی زبان؛ در واقع تفسیر دیگری است از علم اصول. به عبارت دیگر علم اصول ما نزد یک‌سری چیز است به فلسفه تحلیلی. البته اصولیون ما این مسأله را نمی‌دانند. مثلاً به عقیده من اگر یکی از علمای اصول ما فلسفه تحلیلی و تکنسین‌ها را می‌خواند می‌گفت این چقدر شبیه به اصول ما است. من می‌خواهم حتی بگویم بنیادگذاران فلسفه تحلیلی در واقع، علمای علم اصولند. البته این فعلاً در حد ادعاست و باید به عنوان یک داعیه فلسفی مقداری مسلمان پیدا کند اما فعلاً



دکتر دینانی: آقای حائری با این سوادش در اصول، به غرب می‌رود و فلسفه تحلیلی می‌خواند. می‌داند چرا؟ چون فلسفه دنیای انگلیسی زبان؛ در واقع تفسیر دیگری است از علم اصول. به عبارت دیگر علم اصول ما نزد یک‌سری چیز است به فلسفه تحلیلی. البته اصولیون ما این مسأله را نمی‌دانند. مثلاً به عقیده من اگر یکی از علمای اصول ما فلسفه تحلیلی و تکنسین‌ها را می‌خواند می‌گفت این چقدر شبیه به اصول ما است. من می‌خواهم حتی بگویم بنیادگذاران فلسفه تحلیلی در واقع، علمای علم اصولند. البته این فعلاً در حد ادعاست و باید به عنوان یک داعیه فلسفی مقداری مسلمان پیدا کند اما فعلاً

عزت



دکتر محقق داماد حضرت آقای حاجی محمد حسین صدیق باقری که در این روزها به مسافرت در راه است و در این روزها در تهران حضور دارد. در این روزها در مسافرت است و در این روزها در مسافرت است.

در همین حد می‌گویم که آقای حائری چون یک اصولی بود وقتی به سراغ فلسفه غربی می‌رود مجذوب فلسفه تجاری می‌شود.

حالا برویم سراغ بحث ربط. توجهی که مرحوم حائری به بحث ربط داشتند در قالب بحثی چون هستی و خودش را نشان می‌دهد، خود اهمیت بحث ربط را به خوبی بر ما نمایان می‌کند. حائری دانست که آن بود که بتواند معنای هستی و معنای هستی چیست در اینجا جالب است بگویم با وجود اهمیت این مسئله، موضوع ربط یا همان هستی و له‌تی تا مدت‌ها از نظر حکمای مادیور مانده بود. به این علت که زبان عربی مفسرانی در بحث وجود ربط لنگ است. این یک مقدار تیار مند شرح است و وجود کلام بر پایه گزاره است. گزاره هم یک موضوع دارد. یک محمول دارد و یک رابطه ملاحظه عالم است که حسن موضوع، عالم محمول و هستی رابطه است. این رابطه (است) در همه زبان‌ها وجود دارد اما زبان عربی فاقد آن است. ما در عربی می‌گوییم زید عالم یا زید، قائم در اینجا رابطه محذوف است. ما ربط ظاهری می‌بینیم میان زید و عالم که اسم هستند نمی‌بینیم به هر حال زبان عربی در میان این رابطه ناتوان بوده و جالب است که فارسی هزار سال پیش به این موضوع اشاره کرده است. بحث وجود ربط کم و بیش در بین حکمای اسلامی مطرح بوده حتی در ملا صدرا هم این بحث را می‌بینیم هر چند که ملا صدرا با همه عظمتش در این باره کمی مذهب نیست کسی که بسیار خوب به این بحث توجه کرده آقای علی مفسر زبونی بوده است. او مرد بسیار باهوش و زیرکی بوده، رساله کوچکی دارد به اسم «وجود ربطی» که مباحث مهم این کتاب را من به طور مشروح در کتاب خودم آوردم اما چرا این بحث ربط این قدر مهم است؟ چون ربط اشاره به یک رابطه در عالم خارج می‌کند، به یک «هستی» در بیرون اما وقتی شما می‌گویید ربط در خارج هست، در گیر تسلسل می‌شوی. اگر بگویید ربط هست، باید ربط آن یا چیز مستقل دیگری در خارج را روشن کنی و این جریان نهایتاً به تسلسل می‌انجامد. از طرف دیگر، نمی‌توانی بگویی ربط نیست چون ربط واقعا هست نمی‌شود آن را نفی کرد پس مایه یک وضعی می‌رسیم که نه می‌توانیم بگوییم نیست و

نه می‌توانیم بگوییم هست. خب، این را چه کار باید کرد؟ من بشخصه یک جواب مناسب برای این مسئله دیدم که واقعا هوشمندانه و انسانی بوده. در حاشیه «مطول» این مجموعه آمده که اگر بگویم خارج ظرف وجود ربط است. دچار تسلسل می‌شویم اما خارج ظرف وجود ربط نیست بلکه ظرف خود ربط است. معنی این حرف این است که وجود ربط ماهیت ندارد خود ربط هم وجود است و هم ماهیت. آن وقت از این مباحث دیگر و مسائل دیگری بیرون کشیده می‌شود که خود آنها جای بحث بسیار دارد.

اما مرحوم حائری از جمله کسانی است که در بحث است و هست به این نکته توجه داشته و همین توجه به نظر من کافی است. فارغ از اینکه نهایتاً بحث به چه سمتی رسیده باشد.

محقق داماد: به عقیده بنده، هنر آقای حائری در این بود که مسئله ربط را به قول غربی‌ها کثرتی کرد. این مسئله در سلسله مباحث فلسفی که از مباحث متافیزیکی و اخلاقی یعنی حکمت نظری و حکمت عملی و به ویژه در بحث فلسفه سیاست که به طور کلی مباحث و حوزه به هم پیوسته و متناخذه چلری بوده و جایگاه ویژه خود را یافته است. مثلاً در مباحث اخلاق به مسئله حسن و قبح راه‌پاز می‌کند که آیا ملاحظه خوبی در خارج هست یا نه؟ آیا ما به ازای بیرونی طرف یا اینکه نفع‌دار؟ و اگر نفع‌دار آیا به این معناست که کلا ترست و شما وقتی به کتاب‌های آقای حائری مراجعه می‌کنید می‌بینید ایشان بحث وجود ربط را به تاملی و حوزه سرایت داده است. مثلاً در بحث معقولات ثابته که در کوشش‌های عقل نظری مطرح شده این مسئله آمده و همین را به شکل دیگر و با کالبرد متفاوتی در کوشش‌های عقل عملی هم شاهدیم.

به یکی از مشخصات و مختصات مرحوم حائری که ایشان را متمایز می‌کند، آشنایی نسبتاً عمیق ایشان با فلسفه غربی است. ایشان حتی برای شناخت اندیشه و تفکر غرب، مسائل‌ها در غرب اقامت داشتند و زیر نظر استادان غربی با مکاتب مختلف اندیشه غرب به ویژه در فلسفه تحلیلی، آشنا شدند. در آثار ایشان هم این آشنایی به خوبی

نمایان است. در جای‌جای این آثار، مباحث مختلف فلسفی از نظر گاه‌های اسلامی و غربی با هم تطبیق داده شده و آرای فلاسفه غربی و اسلامی در این موضوعات به بحث و نقد گذاشته می‌شود. ارزیابی‌ها از جایگاه ایشان در نزد یکی میان این حوزه تفکر چیست؟ آیا می‌توان مرحوم حائری را یک پل از تپاط میان فلسفه غربی و فلسفه اسلامی دانست و آیا تلاش‌های ایشان توانسته این آجریان فکری را کمی بیشتر با هم آشنا سازد؟

محقق داماد: در واقع این است که تا قبل از آقای حائری در ایران از فلسفه غرب چیز چندان وجود نداشت. ما تنها چند اثر محدود داشتیم که بیشتر تاریخ فلسفه غرب بودند. مثلاً سیر حکمت در اروپا که خب تاریخ فلسفه غرب است و یا مقالاتی که آقای فردید نوشته بودند و ۲۰۲ عنوان کتابی که دکتر مهدوی و رانی ترجمه و منتشر کرده بودند. داوری از فردید هم کلری در دست نبود. فقط کار فروغی در آن زمان موجود بود. من خودم زمانی که دانشجو بودم منابع ما یکی سیر حکمت در اروپا بود و یکی جزوه‌ای که خود آقای دکتر مهدوی به ما می‌داد. راجع به فلسفه قرون وسطی استادان دیگر هم هر کدام یک جزوه می‌دادند. راجع به یونان یا فلسفه جدید یا احیای مثنوی یک کتاب انگلیسی را در کلاس می‌خواندند و ترجمه و تفسیر می‌کردند.

محقق داماد: در مجموع چیز تازه و قابل استفاده‌ای از منابع تفکر غربی در ایران وجود نداشت. در حقیقت این حرکت آشنایی یا اثر فلسفی غربی در ۴۰ یا ۵۰ سال اخیر باب شده و با حضور کارهای مرحوم حائری هم شروع شد. که ایشان با توجه به آشنایی‌شان با خود متون غربی، در آثارشان از آنها استفاده و آرای غربی‌ها را بازگو می‌می‌کردند. نکته ویژه در باره ایشان این است که مرحوم حائری نسبتاً با فلسفه اسلامی آشنا شدند و خیلی خوب و زیر نظر استادان بر جسته فلسفه اسلامی آموزش دیدند و بعد به سراغ فلسفه غرب رفتند و آن را هم باز پیش‌استادان و اهل فن آموختند. یعنی ایشان هر ۲ حوزه فلسفه را به صورتی عمیق و با مراجعه به متون اصلی فرا گرفتند. این حرکت جدید است و ما بیوق به سابقه نیست. این حرکت آشنایی با متون اصلی فلسفه غرب و جریان تطبیق دیدگاه‌ها و

